

# به مناسبت «همایش ملی کار شایسته»

گفتگوی سه جانبه  
دولت، کارگر، کارفرما

۲۵ بهمن ماه ۱۳۸۹  
محسن خلیلی

**(( بهره‌ای انسان ندارد جز به کوشش ))**

فرزند پدری هستم که در بدایت زندگی معلم بود و سپس وارد صنعت شد و کار صنعتی را با ایجاد کارگاه الکترومکانیک شروع نمود. با کارگران بسیار صمیمی و مهربان بود و به نیازمندی‌هایشان توجهی جدی داشت و به سبب رفتار محبت آمیزش با کارگران احساسم این بود که آنان نیز از بستگان ما هستند. بخاطر دارم زمانی که پدرم مسئول پایه‌گذاری برق تهران بود و به سبب وقوع جنگ جهانی دوم و اشغال کشورمان توسط قوای بیگانه بحران‌های سنگینی واقع شده بود برای کارگران خوار و بار تدارک می‌کرد.

در سال ۱۳۳۲ با پدرم شرکت بوتان را پایه‌گذاری نمودیم و من مسئولیت‌های عملیاتی را بر عهده گرفتم و متدرجاً با انبوه کارگران روبرو شدم. لباس کار می‌پوشیدم و با کارگران تا نیمه‌های شب کار می‌کردیم و علاوه بر سرپرستی همچون آنان کار می‌کردم. محیط مان کوچک بود با هم غذا می‌خوردیم و با هم نماز می‌خواندیم. کارگران هیچگاه مرا مهندس خطاب نمی‌کردند و پیوسته به اسم صدایم می‌کردند که اکنون هم چنین است. در عروسی و عزا و بیماری آنان حضور داشتم و همیشه مشکلاتشان را برایم مطرح می‌کردند. شاید ریا باشد که بگویم در جابجایی بارهای سنگین دشوارترین بخش را به عهده می‌گرفتم. محیطی مهرآمیز و سازنده و دور از تنش داشتیم. زمانه گذشت و شرکت بوتان توسعه یافت ولی رفتار ناخودآگاه و دوستانه من در سازمان اشاعه یافت و می‌توانم ادعا کنم که برغم جامعه کارگری متشنج آن زمان، ما در شرکت بوتان با کارگران کمترین مشکل را داشتیم. آنچه اشاره شد رویه‌ای سنتی بود ولی از

سه دهه پیش هم که مدیریت مدرن و دانش پایه در شرکت بوتان بطور نسبی مستقر گردید به همان سیاق روابط صمیمانه ادامه و توسعه یافت.

گاه خود را با برخی از هم دوره‌ای‌ها که طی تحصیل دانشجویان بهتری بودند مقایسه می‌کردم خود را موفق‌تر می‌دیدم و علت این امر برایم مجهول بود تا اینکه حدود ده سال پیش کتاب دانیل گولمن را خواندم و به ناشناخته‌هایی در تأثیر رفتار در مدیریت آگاه شدم. از این فرصت استفاده می‌کنم تا فرازهایی از دیدگاه‌های این اندیشمند را یادآوری کنم:

در موفقیت انسان‌ها بهره هوشی (IQ) ۲۰ درصد مؤثر است و ۸۰ درصد موفقیت‌ها متأثر

از بهره هوش احساسی (EQ) است. افرادی که از لحاظ هوشی نابغه هستند ولی از هوش

احساسی بهره‌چندانی نبرده‌اند در زندگی با مشکل مواجه می‌شوند.

خودآگاهی، کنترل احساسات، خودانگیزشی، همدردی و توانایی درک احساس دیگران و

بالاخره برقراری و تداوم روابط، عوامل مؤثر در هوش احساسی است.

باید توازن هوشمندانه بین احساس و منطق برقرار کرد.

خودآگاهی یعنی شناخت احساسات خود و همدردی به معنای شناخت احساسات دیگران

مهارت‌های اساسی انسان به شمار می‌آید. کنترل احساسات یک چالش همیشگی برای انسان-

های موفق است.

امید و مثبت نگری نقش مهمی در زندگی ایفا می‌کند و افراد خوشبین از هیچ چیز ناامید

نمی‌شوند.

تفاهم از همدلی نشأت می‌گیرد، اشخاصی که احساسات دیگران را درک می‌کنند بهتر خود

را با محیط انطباق می‌دهند و محبوب‌تراند.

□ غرور و تکبر بعضی از رؤسا و جوّ اخلاقی بدی که ایجاد می‌کنند باعث کاهش بهره‌وری و فراری شدن کارکنان می‌شود. بهره‌گیری از استعداد افراد مبنای موفقیت در کار گروهی است.

یکی از افتخاراتم همکاری با وزارت کار از دوران جوانی است که سالیان متمادی به تدوین مقررات ایمنی مشغول بودیم و از آنجا به مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران راه یافتیم. به رسم یک کارفرمای متعهد بطور داوطلبانه در خدمت وزارت کار بودم که از همین طریق به سازمان بین‌المللی کار اعزام شدم و با نحوه تفکر، عمل و نظام‌های این نهاد مهم و مؤثر بین‌المللی آشنا شدم. به سبب مسئولیت در انجمن مدیران صنایع و فعالیت در کانون عالی کارفرمایان ایران با مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و فعالیتهای علمی آن از جمله کار شایسته آشنا شدم و به اهمیت آن پی بردم که باید به نحوی کارساز راه‌های عملیاتی شدن اصول مندرج در کتاب «برنامه ملی کار شایسته» مشخص و به اجرا درآید. از دید من عامل اساسی در تحقق و توسعه کار شایسته در گرو ایجاد تحول در نگرش و باورهای صنعتگران و کارآفرینان کشور است. اعمال کار شایسته بدون تداوم و توسعه تولید و خدمات امکان‌پذیر نیست.

کار شایسته به معنای «ایجاد فرصت‌های برابر به منظور کسب و کار مناسب و مولد در شرایط آزاد، امن و همراه با کرامت انسانی» با چهار راهبرد ایجاد اشتغال، ارتقاء حقوق بنیادین کار، گسترش حمایت‌های اجتماعی و گفتگوهای جمعی قابل تحقق است.

ایجاد «کار شایسته» فقط و فقط زمانی امکان پذیر است که وضعیت اشتغال در جامعه در سطحی مطلوب باشد. ایجاد اشتغال و افزایش درآمد سرانه از مشکلات یکصد سال گذشته ایران بوده است. هر چند مسئولیت اصلی ایجاد اشتغال با دولت‌هاست و به همین سبب نیز اهمیت و

اولویت بالایی در برنامه‌های تمامی دولت‌های جهان دارد ولی دستیابی به سطح مطلوبی از اشتغال بدون تعامل و همکاری کارفرمایان و کارگران میسر نخواهد بود.

کار شایسته می‌باید درآمد کافی برای ایجاد زندگی شایسته و حفظ کرامت انسانی و رفاه و رشد شاغل و خانواده وی فراهم آورد و از سوی دیگر محیط کسب و کار و مقررات مرتبط با کار باید به گونه‌ای تنظیم و به اجرا درآید که زمینه اشتغال کافی و توسعه آن توسط کارفرمایان را میسر سازد.

دستیابی به «کار شایسته» بدون ارتقا حقوق بنیادین کار و گسترش حمایت‌های اجتماعی به ویژه ایجاد تأمین اجتماعی کارآمد ممکن نخواهد بود. تأکید کار شایسته بر حفظ و ارتقا کرامت انسانی است و تحقق آن برای نیروی کار جوان، تحصیلکرده و توانمند ایران نیازمند ایجاد فرصت‌های شغلی است که نه تنها زندگی شایسته‌ای برای آنها فراهم آورد بلکه جایگاه اجتماعی آنان را ارتقا بخشد. موفقیت در این راه سخت و طولانی بدون توسعه گفتگوهای اجتماعی و فعالیت‌های تشکلی میسر نخواهد بود.

ایجاد اشتغال سازنده و شایسته مستلزم توسعه هر چه بیشتر صنعت و افزایش بیشتر سهم صنعت در تولید ملی است صنعت علاوه بر توانمند نمودن دیگر بخش‌های اقتصاد نقش مهم و سازنده‌ای در توسعه بیشتر و همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ایفا می‌نماید.

اینجانب یک عمر در این عرصه‌ها خدمتگزار مردم کشورم بوده‌ام و اینک حاصل شصت سال تجربه صنعتی و تشکل‌گرایی خود را در دو متن تحت عنوان «راه محسن خلیلی در یک نگاه» و «بیانیه صنعتگر» تقدیم عزیزان حاضر در «همایش ملی کار شایسته» می‌نمایم و تقاضا دارم هر گاه راه رفته و فلسفه این خدمتگزار کوچک را تأیید می‌نمایند، مطالعه این متون را به رسم اقدامی مثبت و نقشه راهی مؤثر برای تحقق کار شایسته و توسعه اقتصاد ملی به همکاران

ارجمند خود توصیه فرمایند. در پایان می‌خواهم این نکته را یادآور شوم که ما باید در نگرش، فلسفه و جهان بینی بخش خصوصی ایران تحول ایجاد نماییم تا کار شایسته و دیگر روش‌های پیشرفت اقتصاد و افزایش بهره‌وری تحقق یابد و جامعه ما از رفاه بیشتر و زندگی شایسته‌تر بهره‌مند گردد.

من ا... توفیق

محسن خلیلی